



برق چاقو در سایه وحشت

در مخیله ام هم نمی گنجید روزی چاقو دست بگیرم و با آن به کسی آسیب بزنم. اما این اتفاق افتاد. دنبالش رفتم و در تاریکی شب راهش را سد کردم. تصورم این بود که از برق چاقو وحشت می کند. اما او کوتاه نیامد.

به پلیس ۱۱۰ زنگ زدند و دقایقی بعد ماموران کلانتری ۱۲ مشهد بلافاصله در محل حاضر شدند. در مسیر کلانتری از پنجره ماشین بیرون را نگاه می کردم تا شاید آن دو رفیق نارفیق را ببینم. انگار آب شده بودند و رفته بودند توی زمین. بدجور دلم گرفته بود. در کلانتری دو همدست فراری ام را لو دادم.

دوست دارم پلیس دستگیرشان کند و یک بار دیگر با آنها چشم در چشم شوم. نقشه زورگیری از مردم طرح آنها بود و من ساده، بازیگر خواسته شوم شان شدم. می گفتند تو برو جلو ما هوايت را داریم، اما ...

وقتی به کلانتری رفتم فکر کردم چند روزی زندانی می شوم و بعد از بیرون آمدن دور خلاف را یک خط قرمز می کشم اما روز بعد وقتی مرا به اتاق بازجویی بردند و برگه تحقیق را مقابلم گذاشتند دنیا روی سرم آوار شد. مقابل اتهام نوشته بودند قتل عمد. آن طور که افسر تحقیق می گفت، مرد مجروح را سریع به بیمارستان منتقل کردند اما به خاطر این که چاقو رگ اصلی او را بریده بود، دوام نیاورد و جان باخت. حالا مهر قاتل بودن بر پیشانی من حک شده است.

یادش بخیر، پدرم همیشه نصیحتم می کرد و می گفت: مراقب باش که نارفیق بازی ات ندهد. اما گوشتم بدهکار نبود. اصلا پدرم را نمی دیدم و تا حرف می زد صحبتش را قطع می کردم. فقط دنبال رفیق بازی بودم و بس. اما حالا که دچار مشکل شدم و سرم به سنگ زمانه خورد تازه فهمیدم چه اشتباهی کرده ام.

خدا لعنت کند دوست نااهلم را. زیر پایم نشست و گفت بیا برویم و زندگی مستقلی برای خودمان تشکیل بدهیم. تصمیم گرفتیم به مشهد بیاییم و دیگر کسی بالای سرمان نباشد که امروز نمی کند چه کار بکنیم و چه کار نکنیم.

پدر و مادرم می گفتند دل شان به این سفر نیست، آنها اصرار داشتند در شهر خودمان و به همان کاری که مشغول بودم ادامه بدهم.

اما من خودسر شده بودم و بدون این که توجهی به آنها کنم مدارک شناسایی ام را برداشتم و با دوستم از شهرمان به مشهد آمدم و این هم آخر و عاقبت کارم.

زده بود.

در همین لحظه از یک مهمانپذیر چند نفر که سر و صدایمان را شنیده بودند بیرون آمدند. کار از کار گذشته بود و باید خودم را خلاص می کردم، برای همین دست به چاقو بردم و ضربه ای به دستش زدم.

خون فواره زد و تمام لباس های مرد جوان را سرخ کرد. می خواستم فلنگ را ببندم ولی نتوانستم. همان چند نفر که از مهمانپذیر بیرون آمده بودند مرا گرفتند.

دستم را گرفته بود و داد و فریاد می زد، هیچ چیز در آن لحظه به ذهنم نمی رسید؛ با ترس و وحشت به اطراف نگاه می کردم که نکنند کسی از راه برسد و شناسایی ام کند.

چند بار تهدیدش کردم ساکت شود اما دست بردار نبود. کوچه خلوت بود که به سراغش رفتم تا گوشی تلفن همراه و پول هایش را بگیرم و پا به فرار بگذارم.

دو همدستم سر کوچه ایستاده بودند و هرچه گفتم به کمکم بیایند فایده ای نداشت. مثل چوب، خشک شان



متهم وقتی با مقاومت طعمه اش رو به روشد او را با ضربه چاقو کشت



زورگیران شخصیت ضد اجتماعی دارند

دکتر سید مجید موسوی راد، استاد مهارت های زندگی می گوید: افرادی که دست به زورگیری یا سرقت های خشن می زنند، اغلب کسانی هستند که دچار اختلال شخصیت ضد اجتماعی هستند و به آنها جامعه ستیز نیز می گویند. این افراد عمدتاً مشکلات زیادی دارند و به رغم این که به هیچ عنوان با مقررات و موازین حاکم بر جامعه سازگاری ندارند با همه افراد مشکل پیدا می کنند. این قبیل افراد مشکل شخصیتی خودشان را قبول ندارند و در نتیجه هیچ گاه برای برطرف کردن مشکلات شان اقدامی نمی کنند و به همین خاطر خیلی سخت به درمان پاسخ می دهند.

از دیگر ویژگی های افراد دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی این است که به صورت گروهی یا انفرادی رفتارهایشان را انجام می دهند، به نوعی که آسیب به جان یا به اموال مردم می زنند و به نظر می رسد در این قبیل افراد هیچ گونه وجدان اخلاقی به عنوان

بازنده وجود ندارد. به عبارت دیگر نبود وجدان اخلاقی در آنان مشاهده می شود. از دیگر ویژگی آنان ناتوانی در کنترل تکانه است که به صورت تکانشی و ناگهانی رفتارهایی مرتکب می شوند که به نظر می رسد این رفتار در اختیار آنان نیست. غالباً این افراد باهوش هستند و در مواجهه با پلیس یا مقامات قضایی با زیرکی اعلام ندامت و پشیمانی می کنند اما واقعیت این است که این افراد عبرت نمی گیرند و عمیقاً از انجام فعالیت های خود پشیمان نیستند و صرفاً برای فرار از وضعیت اعلام ناراحتی و پشیمانی می کنند و در عمل حتی این نوع وقایع و اتفاقات را حق خود می دانند. افرادی که دست به شرارت و زورگیری می زنند عمدتاً دارای مشکلات روانی عمده مانند اختلال شخصیت هستند. گاهی نیز بر اثر مصرف مواد محرک و مخدر قدرت تفکر در آنان کاهش می یابد. بهترین کار این است که این افراد را شناسایی کرده و تحت درمان قرار داد. لازم به ذکر است فرآیند درمان این قبیل افراد طولانی مدت و نیازمند همکاری خودشان است.

آگهی فقدان سند مالکیت

سید علی گل محمدی (مالک) با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده به شماره ۹۹۷۱۵۱-۹۷/۱۱/۱۴ دفتر ۱۱۰۹ تهران مدعی است که سند مالکیت ۶ دانگ یک دستگاه آپارتمان سمت جنوبی طبقه ۵ قطعه ۱۰ تفکیکی به مساحت ۱۲۸/۶۳ مترمربع که مقدار ۳/۳ مترمربع آن بالکن و مقدار ۱۲/۴۶ مترمربع آن پیشرفتگی است به انضمام پارکینگ شماره ۱۰ به مساحت ۱۱ مترمربع در سمت جنوب همکف و انباری شماره ۷ به مساحت ۱/۷ مترمربع در غرب همکف به شماره ۴۴۷۶/۱۸۰۵۸۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۲۰۵۹۹ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش هفت تهران که به نام سید علی گل محمدی ثبت و صادر و تسلیم به علت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور المثنی سند مالکیت نموده است، لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی مورخ ۷۲/۹/۲ ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد، از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد و الا پس از انقضای مهلت مزبور و ترسیدن و اخواهی نسبت به صدور المثنی سند مالکیت طبق مقررات اقدام خواهد شد.

آگهی برگزاری مجمع عمومی عادی نوبت اول

انجمن صنفی کارگری برنامه ریزان و دستیاران کارگردان سینمای استان تهران

بدینوسیله از کلیه اعضاء انجمن مذکور دعوت می گردد در روز شنبه مورخ ۱۶/شهریورماه/۱۳۹۸ ساعت ۱۵ در محل سالن سیف الله داد واقع در ساختمان شماره ۱ خانه سینما به آدرس: تهران- خیابان بهار جنوبی- کوچه سمنان- پلاک ۲۹ حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱. ارائه گزارش مکتوب عملکرد یکساله هیات مدیره، خزانه دار و بازرس
۲. برگزاری انتخابات هیات مدیره
۳. برگزاری انتخابات بازرسین اصلی و علی البدل
۴. طرح لغو عضویت: ۱. امیر مسعود اصلاح به شماره عضویت ۳۱۴
۲. ایمان پورقلی زاده به شماره عضویت ۲۱۸
۳. اختر الملوک درخشان وزیری به شماره عضویت ۳۵۳
۴. یاسر فارونی به شماره عضویت ۲۳۷
۵. امیرعلی قنبری به شماره عضویت ۱۴۶
۶. علی ملاقلی پور به شماره عضویت ۱۵۱
۷. مریم نراقی به شماره عضویت ۱۸۸
۸. عبدالرضا نیک پو به شماره عضویت ۲۵۶
۹. به استناد ماده ۷ اساسنامه

هیات مدیره انجمن صنفی کارگری- برنامه ریزان و دستیار کارگردان سینمای استان تهران